

لوح علی

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح علی - حضرت بهاء الله، اقتدارات و اشراقات - صفحه ۲۹۰ -

۲۹۶

بعضی از ناس از بعضی مخصوص ساحت اقدس زخارف طلب نموده و مینمایند و این بغایت از شطر عدل و انصاف بعید است از اول ظهور تا حین ابداء بنفسی در چنین امور اظهار نرفته مقدس است ذیل امر از این اذکار تا چه رسد بفعل آن بر کل لازمست که بعضی از عباد را نصیحت نمایند و من قبل الله اظهار دارند منادی احدیه از شطر الوهیه ندا میفرماید ای احبا ذیل مقدس را بطین دنیا میالائید و بما اراد النفس و الهوی تکلم مکنید قسم به آفتاب افق امر که از سماء سجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدس و منزله باشند اگر بتبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغناء و علو همت و تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلاء أن یکون زادهم التوکل علی الله و لباسهم حبّ ربهم العلیّ الأبهی تا کلمات آن نفوس مؤثر شود نفوسی که الیوم بمشتهیات نفسیه و زخارف دنیای فانیه ناظرند بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده اند مع ذالک ابداء از مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمه که مدل بر آن باشد اشراق نموده و هر نفسی که موفق شد و بساحت اقدس هدیه ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بخواهیم تصرف نمائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقیح از این فعل نبوده و نیست که باسم حق مابین ناس تکدی شود بر آنجناب و اصحاب حق لازم که ناس را بتزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رائحه قیص ابهی از احبای او استنشاق شود ولکن باید اولوالغنی بفقرا ناظر باشند چه که شان صابرن از فقراء عندالله عظیم بوده و عمری لا یعادله شان الا ما شاءالله طوبی لفقیر صبرو ستر و لغنی انفق و اثر انشاء الله باید فقرا همت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امریست که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عند الله محسوب و هر نفسی عامل شود البته اعانت غیبیه شامل او خواهد شد إنه یغنی من یشاء



ORIGINAL



AUDIO

بفضله إنه على كل شئ قدير و همچنین در حفظ نفوس و تربیت اهل ملت و مملکت از مشرق مشیت رحمانی کلماتی مشرق که فوائد آن شامل جمیع من علی الارض خواهد شد لو یسمعون ما نزل من السماء الامر حال مصلحت نبود که ارسال شود در سماء مشیت معلق تا کی اراده الهیه تعلق گیرد و ارسال شود الامر بیده بسیار در تربیت نفوس جهد نمایند این از اهم امور بوده و خواهد بود و الباء علیک یا من سمع ندائک فی ذکر ربک المقتدر العزیز المختار ای علی بگو باحبابی الهی که اول انسانیت انصافست و جمیع امور منوط بآن قدری تفکر در رزایا و بلائی این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و هر یوم در سبیل محبت الهی مبتلا تا آنکه امر الله مابین عباد مرتفع شد حال اگر نفسی سبب شود و باو هام خود در تفریق ناس سرا و جهرا مشغول گردد او از اهل انصافست لا و نفسه المهیمنة علی العالمین ینوح قلبی و یدمع عینی لأمر الله و للذین یقولون ما لا یفقهون و یتوهمون فی أنفسهم ما لا یشعرون الیوم لایق انکه کل باسم أعظم متشبث شوند نیست مهرب و مفری جز او و ناس را متحد نمایند اگر نفسی در اعلی علو مقام قائم باشد و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطی بحر اعظم و علت توجه بشری جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشریه جهانیه یشهد کل الاکوان بأنه محروم من نفحات الرحمن قل أن انصفوا یا اولی الألباب من لا انصاف له لا انسانیة له حق عالم است بکل نفوس و ما عندهم که حق عالم است بکل نفوس و ما عندهم حلم حق سبب تجری نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرماید و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیه منع شده لذا اکثری از ناس آنچه سرا مرتکبند حق را از آن غافل دانسته اند لا و نفسه العلیم الخبیر کل در مرات علمیه مشهود و مبرهن و واضح قل لک الحمد یا ستار عیوب الضعفاء و لک الحمد یا غفار ذنوب الغفلاء ناس را از موهوم منع نمودیم که بسطان معلوم و ما یظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و او هام خود مبتلا مشاهده میشوند لعمری انهم هم الموهوم ولا یشعرون و ما یتکلمون إنه هو الموهوم ولا یفقهون نسئل الله أن یوفق کل و یرفهم نفسه و أنفسهم لعمری من فاز بعرفانه یتیر فی هواء حبه و ینقطع عن العالمین ولا یلتفت الی من علی الارض کلها و کیف الذین یتکلمون بأهوائهم ما لا أذن الله لهم بگو الیوم یوم اصغاست بشنوب ندای مظلوم را باسم حق ناطق باشید و بطراز ذکرش مزین و بانوار حبش مستنیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود والذی غفل عما جری من إصبع الإرادة إنه فی غفلة مبین صلاح و سداد شرط ایمانست نه اختلاف و فساد بلغ ما أمرت به من لدن صادق أمين إنما الباء علیک یا ایها الذاکر باسمی و الناظر الی شطری و الناطق بثناء ربک الجمیل